

نسل آینده ایران

تأثیر حکومت استبدادی در ساختمان دماغی ایرانی

تا اندازه روشن گردید که چه عواملی در ساختمان فکری و دماغی بشر دخالت دارند اینک ما می‌خواهیم تأثیرات این عوامل را در ساختمان فکر و دماغ ایرانی مشاهده کنیم اگر این عوامل در افکار و ساختمان دماغی دخالت دارند دیگر انقلاب موضوع ندارد و هر قدر زور و فشار در تغییر آن اعمال شود مؤثر نیست و اگر در اثر انقلاب اندک تغییراتی ظاهر شود موقتی است همینکه زور و فشار سست گردید این عوامل دو مرتبه بکار خواهند افتاد فقط برای چندی از آنها جلوگیری شده است .

هنوز تاریخ ملت ایران روشن نیست و ابتدای آن در زوایای تاریخ بشر در قسمتهای تاریکی واقع است که تا امروز نور علم و دانش بانجاها نتابیده است و تا این قسمتها روشن نشده که علماء تاریخ بدقت بتوانند در آنها تحقیقات کنند این موضوع مانند سایر مسائل تاریخ لاینحل خواهد ماند .

اما تاریخ نوشته که در دسترس عمومی است تاریخ ۲۵ قرن گذشته است که ایرانی در این مدت يك تاریخ روشن و مرتبی دارد که میتوان از روی آن مد و جزوهای ترقی و تنزل آنرا بخوبی استنباط نمود اگر دوره اساطیر و افسانه را کنار بگذاریم این مدت متمادی ادوار تاریخی معلوم بکرشته تغییرات و یکسلسله سوانح پیش آورده که بالطبع این تغییرات و سوانح یکنوع آثار و علایمی در ساختمان فکری و دماغی ایرانی باقی گذاشته که تغییر آنها با انقلاب یا فشار و زور صرف در قلیل مدتی قابل امکان نیست .

بشر دارای قوای متعددی است هر گاه موقع مناسب برای یکی از آنها پیش‌آید خواهی نخواهی رو برشد و نمو خواهد گذاشت - اگر زمان مساعد شود ممکن است خصال نیک و پسندیده مردی رو برشد و نمو

کنزارد و مردان آن دوره تماماً دارای شجاعت و شهامت و درستی گردند اما همینکه این دوره بواسطه عللی که در ذیل بطور خلاصه اشاره خواهد شد تغییر نمود آن صفات ممدوحه نیز عوض خواهند شد بجای آنها ترس و جبن - تنبلی و تن پروری - تملق و چاپلوسی و مداحی بیجا شروع خواهد گردید در حقیقت این دوره دوره است که قحط الرجال بوده مردمان با همت که دارای فضائل اخلاقی باشند نایاب خواهند شد و در عوض هر چه ابله و نادان متملق و چاپلوس - پست و فرومایه که تصور کنید روی کار خواهند آمد و زمام امور بدست این قبیل اشخاص خواهد افتاد آنست که از تنزل و انحطاط يك ملتی جلوگیری ممکن نیست زوال و فناي آن در تحت حکمرانی یکچنین اشخاص بی قابلیت نالایق حتمی است فرق نمیکند هر دوره از ادوار تاریخ ملت ایران را بگیریید و مطالعه کنید خواهید دید ملت ایران در تحت سرپرستی يك عده معدودی از سلاطین و بزرگان خود که در رأس امور قرار گرفته اند بترقیات فوق العاده نایل شده قسمت مهم و آباد آسیا را مالک گردیده فرمانروایان سایر ممالک را خراجگذار خود قرار داده اعلان جنگ را او بدشمن خود داده شرایط صلح را او بر سایرین تحمیل نموده و آنها را مجبور کرده است که در مقابل اراده پادشاهان او تسلیم محض گردند .

وای همینکه يك چنین پادشاهانی از میان رفته جای آنها را سلاطین بی عزم و اراده گرفته اند فوری دوره تغییر نموده صفات پسندیده مردی که عبارت از شجاعت و شهامت و درستی باشد در انظار چنین پادشاهانی بیقدر و قیمت شده و بجای آنها صفات پست و اخلاق رذیله مداحی و چاپلوسی برقرار گردیده در چنین دوره است که ایرانی به پست ترین درجه تنزل و انحطاط رسیده است باندازه راحتی طلب تن پرور لا ابالی بیقید و علاقه نسبت بوطن و مؤسسات ملی آن شده از حفظ و نگاهداری آنها غفلت نموده که بالطبع زمینه طمع و حمله اجنبی فراهم آمده و گاهی شده که بدون مقاومت جدی ایران بدست مشتی وحشی و غارتگر افتاده و ایرانی هر چه داشته از دست داده است .

* تاریخ ایران این سوانح و اتفاقات بيشمارا ثبت نموده است)*
 ایرانی همیشه با این نوع خطرها مواجه شده ضررهای آنرا تحمل
 نموده و زهرهای آنرا چشیده ولی بعد ب فکر چاره و علاج افتاده است
 منابع خطرهای ملی بر ایرانی پوشیده نیست خوب آنها را تمیز
 میدهد ولی تا نزدیک نشده و او را احاطه نموده است ب فکر چاره آن نمیآفتد
 جرئت و جسارت در نهاد ملی آن جبللی و ذاتی است با اینحال تا کسی
 از میان ملت ایران جلو نیفتاده و آنها را هدایت نکرده است خود بخود این
 صفات را آشکار نمیکنند .

ایرانی وقتیکه دارای قدرت و عظمت بوده هرگز آرام و راحت
 ننشسته است دول و ملل دور و نزدیک هیچوقت از تجاوزات آن ایمن
 نمانده اینقدر تلاشهای بیجا و جنگهای بیموقع و غیرمناسب نموده که خود
 را ضعیف و خسته نموده است آنوقت بسهولت مغلوب شده از پست ترین
 قوم وحشی شکست خورده و حکمرانی خود را از دست داده است

۳۹۷

وقتی که انسان خوب دقیق میشود میبیند یکچنین ملتی دارای
 يك چنین صفاتی در اثر حکومتهای استبدادی نتوانسته است آن مقام و
 منزلت خود را دایم در جامعه بشری یا در میان ملل حفظ کند یا دولت
 و سلطنت و مسکن خود را همیشه از تجاوزات غارتگران وحشی ایمن نگاه
 دارد زیرا در دولتهای استبدادی ملت شرکتی در حکومت ندارد و چون
 شرکت نمیکند علاقه هم ببقای آن نشان نمیدهد بزرگان و امراء یکچنین
 حکومتی جز مقام نوکری عنوان دیگری نمیتوانند داشته باشند

رفتار پادشاه با آنها مانند رفتار آقا با غلام است اگر این پادشاه
 يك مرد صاحب عزم و دارای اراده آهنین است تمام درباریان مانند غلام
 و نوکر باید از او تبعیت نمایند اگر رشید است ناچار رشید و با جرأت
 خواهند بود اگر ضعیف النفس و بی اراده است بدون تردید درباریان او هم
 دارای این صفات خواهند بود در حالت اول بهرطرف رو آورند فتح و غلبه
 با آنهاست زیرا که شخص پادشاه مرد جسور و صاحب عزم است در شق
 ثانی هر حمله کننده خارجی بطور یقین فاتح خواهد شد چونکه شخص

پادشاه مرد عیاش و عاری از صفات مردی است .

من تصور میکنم یکانه عاملی که در جنبه بدی اخلاق ایرانی مؤثر بوده و نگذاشته مقام ارجمند خود را در ادوار تاریخی حفظ کند همان اطاعت صرف ملت در مقابل عزم و ارادهٔ سلاطین مستبد خود سر بوده است و بس چه بطوریکه اشاره شد حکومت ایران همیشه یک حکومت استبدادی بوده فقط عزم و اراده شخص پادشاه یکانه عامل ترقی و تنزل ملت بشمار میرفت اگر یک شاه عباس بزرگی بر تخت سلطنت جلوس مینمود از ملت جز اطاعت و تسلیم صرف مشاهده نمیشد و اگر جانشین او یک شاه سلطان حسین میبود باز همان اطاعت صرف و تسلیم محض در کار بود و از ملت جز این صفت دیگر ظاهر نمیکشت در زمان پادشاه اولی آن اندازه شجاعت و رشادت در خود ظاهر میساخت در دوره شاه ثانی این اندازه پست و فرومایه میگردد از این حالت ایرانی که در تاریخ بیست و پنج قرن آن شواهد بی حساب میتوان آورد هیچوجه نمیتوان دفاع نمود اینحال غیر پسنیدیده ایرانی یکانه عیب ملی اوست که انقلاب ابدأ در آن تأثیری ندارد و فقط بمرور دهور باید از نهاد او زایل شود و تا این خلق عوض نشده باتیه درخشان او نمیتوان امیدوار شد .

۳۹۸

افراد ایرانی چابک - باهوش و سریع الانتقال ولی ملت ایران کند و بطئی الانتقال بعجله و شتاب هیچ عادت نکرده ولی هر قدر تصور کنید با متانت و بردبار است و با همین صفت بردباری توانسته است توانا ترین دشمنان خود را از بین بردارد و آنها را استحاله کند .

ایرانی چندین بار مغلوب شده دولت و سلطنت خود را از دست داده است ولی سلسله های ملیت آن باندازهٔ محکم بوده که در مقابل سخت ترین فشارهای اجنبی مقاومت کرده و از هم نگسیخته و روحیات و مملکات ملی خود را از دست نداده است .

در قتنه اسکندر مقدونی مغلوب شد ولی طولی نکشید سلسله اشکانی بعد سلسله ساسانی را که بهترین زینت صفحات تاریخ ملی ایرانی است تشکیل داد .

در غوغای عرب دچار غارت و چپاول گردیده هستی خود را از دست داد اما چندی نگذشت که این ننگ را جبران نمود دولت بنی‌امیه را برانداخت اسباب رونق دولت بنی‌عباس را فراهم آورد علوم و صنایع را ترویج نمود زبان و ادبیات عرب را زنده کرد بالاخره با دست ایرانی زوال دولت عرب در شرق نیز فراهم گردید .

در فتنه مغول باز مغلوب شد هر چه داشت مجدداً از دست رفت هنوز این آتش خاموش نگشته فتنه تاتار برپا شد چندی نیز ایران گرفتار قتل و غارت تیمور لنگ گردید .

باز ایرانی توانست بعد از اینهمه مصائب و محن دولت با عظمت صفوی را تشکیل دهد در این عصر است که ایران قریب ۲۵۰ سال در مهد امن و امان آرمیده در صنعت و تجارت فرید عصر خویش گردیده است . (۱)

۳۹۹

در این دوره یکنانه خدمتیرا که توانست بعالم تمدن بکند هماناجلو گیری بود که از ترکها بعمل آورد و اروپای مرکزی را از تهاجم آنها خلاص کرد (۲) .

باز دیده میشود پس از رسیدن بنعمت و جلال تنبل و تن پرور شدند با تغییر پادشاه تغییر حالت دادند آن شهاوت و شجاعت دوره شاه‌عباس مبدل بتن پروری و تنبلی زمان شاه سلطان حسین گردید تا کار بجائی رسید که مشتی افغان بر ایران غلبه نموده بساط پادشاهی آنرا برچیدند .

اما عمر این ادبار خیلی کم و اندک بود نه تنها افغانها بلکه سایر متجاسرین نیز مانند ترك و روس در دست یکی از فرزندان رشید ایران تنبیه کامل شدند در این دوره باز ملت ایران جوانی را از سر گرفت بعد از مرگ نادرشاه دوره درخشان کریم خان زند است که هر ایرانی از شنیدن

«۱» تاورنیه که يك تاجر جواهر فروش فرانسوی بوده در دوره سلاطین صفوی در ایران و هندوستان تجارت نموده و چندین جلد کتاب سفرنامه نوشته است مینویسد «در اسقفهان تفنك هائی که ساخته میشود بهترین تفنك های دنیاست» (به ترجمه فارسی مراجعه شود) «

(۲) جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران پروفیسور برون «۹۳»

نام نیک این راد مرد شاد و خرم میگردد.

دوره قاجاریه از آن ادواری است که ایرانی باز به آن حالت پست تن پروری در پیروی از سلاطین قاجار خو گرفته و عادت کرده است در این دوره قسمت مهم و آباد مملکت خود را از دست داده در تمام جنگها مغلوب شده در تمام عهد نامه ها از حقوق ملی خود صرف نظر نموده است.

من همیشه دارای این عقیده هستم که اگر در دنبال شاه عباس کبیر دو یاسه پادشاه دیگر مانند او بر تخت سلطنت ایران جای میگرفتند ایرانی در دوره زمامداری آنها یقیناً یا بدرجه تمدن نهاده بود و امروز یکی از ملل متمدن از حیث صنعت و علم و دانش بشمار میرفت و یا دو سه نفر هم مثل میرزا تقی خان امیر کبیر در مسند صدارت ایران قرار میگرفتند و از حیات خودشان ایمن میبودند بدون شك ملت ایران تا امروز بیایه ارجمندی رسیده بود افسوس که نه تنها اینطور نشد و این پیش آمد نکرد بلکه بعد از مرگ آنها تمام نقشه های آنها را هم به آب بی لیاقتی شستند و ملت را باز در وادی جهل و بی علمی و بی اطلاعی نگاهداشتند و شد آنچه که نباید بشود.

بقلم میرزا محمدعلیخان سدید

صید مروارید

حدود غوص - از جزیره سلامه که در حدود رؤس الجبال واقع و در تحت امارت مسقط است تا بندر کویت مفاص مروارید است و هیارات هر نقطه اسامی مخصوص دارند و بیشتر از هیارات طرف سواحل (عمان) و بحرین واقع شده اند و طرف سواحل ایران هیارات بان درجه زیاد نباشند موسم غوص - در سواحل ایران و عمان موسم غوص از ابتداء جوزا شروع شده و در ابتداء میزان انتها یابد هر گاه بروج مزبوره مصادف با ماه رمضان شوند در آن ماه غواصها تعطیل نمایند در مفاص بندر (کویت) غوص اعدان - که معروف است به (عدان) که آنرا اعدان هم